

بودن اختیارات ریاست‌جمهوری اشاره کرد. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به چرخه‌ای که در خرید ماشین به قیمت دولتی و فروش به قیمت آزاد مطرح شده بود، گفت: «وقتی که اعتراض کردم به مسئولانش، پاسخ این بود که خب چه کار کنیم؟ ما از می خواهیم، ما فلان می خواهیم، ما می خواهیم کارخانه اشتغال داشته باشد. البته بعداً فهمیدند؛ از بس اعتراض‌ها از اطراف زیاد شد، فهمیدند که کار غلطی است. اما بنده که مسئول قانونی هستم و طبق قانون اساسی شخص اول کشور هستم (بعد از رهبری) و مسئولیت‌های قانون هم زیاد است، اختیارات قانونی من آنقدر نیست که من بتوانم جلوی این کار غلط را بگیرم. حالا شما می فرمایید چرا پانرول تولید می کنند؛ نمی دانم، نیتونا نمی‌زند. این اعتراض‌ها را به من نباید بکنید، سؤال از من نباید بکنید. البته من حالا جواب خواهم داد، بعضی هایش که جواب دارد، اما هدف و به اصطلاح، مخاطب این سؤال ها هیچ کدام، بنده نیستم؛ این را بدانید و اصلاً به این عنوانی که بنده بخوام مسئولیت را برگردانم، نیست. هر چی که مسئولیتش با من است، با کمال میل قبول می کنم و خوب هم انجامش می‌دهم، اما این‌ها مسئولیتش با بنده به‌هیچ‌وجه نیست؛ نه آن مسأله جنگ، نه این.» در نهایت هم در بازنگری قانون اساسی با حذف نخست‌وزیری، ریاست‌جمهوری به عنوان رئیس دستگاه اجرا و رئیس دولت به اختیارات هر دو عنوان رسید. با این حال با گذشت ۳۶ سال، بار دیگر این بحث مطرح است که هنوز رئیس جمهوری اختیارات لازم ندارد. البته اولین رئیس جمهور بعد از بازنگری قانون اساسی توانست اختیاراتی به دست بیاورد، اما این اختیارات در ادوار مختلف ریاست‌جمهوری کمتر شد.

هاشمی رفسنجانی؛ اختیارات کافی است

هاشمی رفسنجانی، زمانی به سمت ریاست‌جمهوری رسید که موضوع بازنگری در قانون اساسی در جریان بود و به موجب آن اختیارات رئیس جمهور افزایش پیدا می کرد. از همین روی وی درباره افزایش اختیارات رئیس جمهور اظهارنظر خاصی نداشت و موافق بازنگری در قانون اساسی به دلیل نامشخص بودن حدود و اختیارات رئیس جمهور و نخست‌وزیر نیز بود. او در سخنرانی ای که ۱۳ تیرماه سال ۶۸ در جمع انمه جمعه سراسر کشور داشت، اینگونه توضیح داد: «قانونی که خبرگان اول برای اداره کشور در بخش اجرایی نوشته بودند، به گونه‌ای بود که وظایف رئیس جمهور و نخست‌وزیر در خیلی موارد با هم تداخل می کرد. مشکل قوه رئیس جمهور مدعی بود حق اوست و نخست‌وزیر مدعی بود حق مجریه اوست و این باعث می شد که بسیاری از کارهای مملکت می خوابید. من حالا چند تا نمونه فقط می گویم که شما ببینید چه مشکلی بود. فرض کنید در معرفی وزیر کابینه به مجلس، خُب ظاهراً این کاری بود که نخست‌وزیری که رئیس جمهور انتخاب کرده، وزیرایش را معرفی بکند، رئیس جمهور هم قبول بکند بعد این‌ها به مجلس بیایند. آدم این را خیلی ساده اول فکر می کند، ولی خُب این طوری هم نیست، ما برای انتخاب وزرا همیشه به‌مشکل بر خورد می کردیم. خُب نخست‌وزیر می خواست کار بکند، می گفت من این آقا را می پسندم، با این می توانم کار کنم، رئیس جمهور می گفت نه من این را نمی پسندم، من مسئولم، من شما را معرفی کردم، من باید جوابگو باشم، من این را نمی پسندم، بارها و بارها ما کابینه‌مان ناقص بود به‌خاطر اینکه دو نفر نمی خواستند توافق داشته باشند. با ووزاری می آمدند که یکی شان را قبول نداشتند؛ یعنی تمحیل شده بود، وزیر احساس می کرد وزیر رئیس جمهور نیست یا وزیر نخست‌وزیر نیست. آخر دیگر کار به جایی رسیده بود که امام ما را – رؤسای سران سه قوه را – مأمور کردند و گفتند هر جا نخست‌وزیر و رئیس جمهور با هم توافق نکردند، رأی شما حاکم باشد. گاهی اتفاق می افتاد که نه رئیس جمهور قبولش داشت و نه نخست‌وزیر، ما انتخاب می کردیم و می گفتیم این را به مجلس معرفی کنید به‌خاطر اینکه به جایی نمی رسید و باید هم همین کار را می کردیم.»

هاشمی رفسنجانی درباره اختیارات رئیس جمهور به دوگانگی‌های وجود نخست‌وزیر و رئیس جمهور در تصمیم‌گیری‌ها که مشکل‌ساز خواهد شد اعتقاد داشت و با اصلاح این مورد در قانون اساسی در حیطه دیگر اختیارات نقد خاصی را مطرح نکرد.

«در شرایط کنونی اقداماتی که رئیس جمهور انجام می‌دهد انکار انکاری شده است برای اعمال فشار از سوی جریان‌های سیاسی، نمایندگان مجلس و قوای دیگر، برای مثال استیضاح چهار وزیر کشور در راستای فشار به رئیس جمهور مطرح می‌شود. آیا جایگاه ریاست‌جمهوری ما آنقدر ضعیف است که اینگونه برای تأمین منافع عده‌ای به چالش کشیده شود و در معرض خطر قرار گیرد؟ و آیا رئیس‌جمهور نیازمند اختیارات ویژه‌تری هست؟

جایگاه بخش انتخابی تضعیف شده و در واقع می‌توان گفت از دست رفته است. تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات یک شاخص است که می‌توان به آن استناد کرد. از طرفی انگیزه‌ای که برای مشارکت وجود دارد نیز دست به دست هم می‌دهد تا نماینده و رئیس جمهور منتخب می‌شود در موضع ضعف باشد، بعلاوه وقتی مشارکتی وجود ندارد، نماینده هم به جای اینکه تقویت‌کننده بخش انتخابی باشد، خودش جزئی از بخش انتصابی می‌شود و بخش انتخابی را به چالش می‌کشد و در سیاست ما اکنون با چنین وضعیتی روبه‌رو هستیم.

به گونه‌ای که محسن هاشمی رفسنجانی، فرزندوی در مصاحبه‌ای گفت: «همه رؤسای جمهور ایران جز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تاکنون از کمبود اختیارات صحبت کرده‌اند. در اکثر حوزه‌ها جز دولت نهادهای دیگر حاکمیتی هم ممکن است حضور یا تأثیر داشته باشند که برای استفاده از اختیارات دولت باید با آنها تعامل داشت.» هاشمی رفسنجانی پس از دوران ریاست‌جمهوری خود نیز درباره لایحه افزایش اختیارات رئیس جمهور که در دولت اصلاحات مطرح شد نظری متمنع گرفت و صرفاً به بیان دیدگاه‌های پیرامون این اقدام پرداخت و نوشت: «بحث بر سر لایحه افزایش اختیارات رئیس جمهور داغ تر می‌شود و تعبیراتی مثل سلطنت مطلقه و تشبیه به رضاخان و ریشه‌کنی اسلامیت نظام مطرح می‌شود.» او در خاطره دیگری باز هم به این موضوع اشاره کرد اما تنها به این نکته بسنده کرد که ارائه لایحه منجر به نزاع می‌شود: «مطرح شدن لایحه افزایش اختیارات رئیس جمهور در مجلس نیز نودیدند تنش‌های سیاسی آینده است؛ که در نهایت، به شکل‌گیری اختلافات و جنجال‌های سیاسی خواهد انجامید. این اقدام، نشان از تلاش دولت برای تمرکز قدرت بیشتر در دست رئیس جمهور است که می‌تواند با مخالفت سایر نهادها و گروه‌های سیاسی مواجه‌شود.»

محمد خاتمی؛ در طلب آزادی

سیدمحمد خاتمی، معتقد بود که اختیارات رئیس جمهور در حدود اختیاراتی که قانون اساسی تعیین کرده نیست، او خواهان آزادی و اختیار عمل بیشتر برای منتخب مردم بود. او یکی از پرمناقشه‌ترین لوایح در دوران ریاست‌جمهوری را در زمینه افزایش اختیارات رئیس جمهور به مجلس ارائه داد. خاتمی معتقد بود اختیارات رئیس جمهور در برخی جاها از یک شهروند عادی نیز کمتر است و بدون اصلاح حدود اختیارات، رئیس جمهور کاره‌ای نیست. خاتمی دو لایحه را در دولت تصویب و به مجلس ارائه کرد، یکی از لوایح درباره اصلاح قانون انتخابات بود که هدف آن حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان بود و دیگری درباره تبیین حدود وظایف و اختیارات رئیس جمهور بود. کلیات دو لایحه از سوی مجلس ششم به تصویب رسید، با این حال انتقادات فراوانی به آن وارد شد، منتقدان سیاسی مفاد لوایح را مغایر با قانون اساسی می‌دانستند. در نهایت اصرار مجلس و دولت بر اجرای بندهای مختلف لایحه و اصرار شورای نگهبان بر تغییر برخی بندهای لایحه، به بن‌بست هر دو لایحه ختم شد. بر همین اساس و در پی بحث‌ها و اختلافات در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۸۳ خاتمی خواستار استرداد لوایح دوقلو از سوی مجلس به دولت شد و مجاری این دو لایحه عملاً پایان یافت.

خاتمی پس از دوران ریاست‌جمهوری خود نیز همچنان به حد و حدود اختیارات رئیس جمهور نقد داشت. هر چند که او با آنچه در بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ رخ داد موافق بود و از نقش رهبری در دوران ریاست‌جمهوری در این باره تقدیر کرده بود، چراکه از طرح حذف نخست‌وزیری حمایت کرد و سرسختانه پیگیر آن بود. وی در سال ۹۳ در دیداری که با ایثارگران اصلاح‌طلب، آزادگان و خانواده‌های شهدا داشت در این باره گفت: «گرچه رئیس‌جمهور متناسب با وظیفه‌ای که در اجرای قانون اساسی دارد، اختیارات و امکانات ندارد اما در همین حدی که هست – و همین حد را هم مرون اهتمام رهبری هنگامی که رئیس‌جمهور بودند، هستیم- باید اجرا شود و مسئولان قوای دیگر نیز باید به رئیس‌جمهوری کمک کنند تا قانون اساسی اجرا شود و خیلی از کُزی‌ها رخ ندهد.»

محمود احمدی‌نژاد؛ دوگانگی در تصمیم

احمدی‌نژاد که در دوران ریاست‌جمهوری خاتمی منتقد لوایح دوگانه او بود و آن را نافی اصل تفکیک قوا و دارای مصونیت ویژه برای قوه مجریه می‌دانست، در دوران ریاست‌جمهوری خود تلاش‌های فراوانی برای دریافت اختیارات بیشتر کرد. او به هرکسی که نسبت به مصوبات، لوایح و رویکردهای وی مخالفت می‌کرد می‌تاخت و اظهارنظر درباره حیطه اختیارات رئیس‌جمهور را در صلاحیت آنان نمی‌دانست.

احمدی‌نژاد بارها به دخالت مجلس در مصوبات دولت انتقاد کرد و نامفنگاری‌های متعددی نیز با رئیس مجلس، شورای نگهبان و حتی رهبری داشت. وی درباره حدود اختیارات با دو قوه دیگر منازعه داشت؛ هم مجلس را متهم به دخالت در امور اجرایی کرده بود و هم قوه قضائیه را. در یکی از نامه‌های خود به نمایندگان مجلس درباره تغییرات لایحه برنامه پنجم توسعه گفته بود مجلس در حدود قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند و مجلس برخلاف اصل صریح قانون اساسی بر لغو اختیارات قانونی قوه مجریه و دخالت در اموری مانند انتخاب و نصب و عزل مقامات اجرایی و اداره اموال دولتی اصرار می‌ورزد. او اظهارنظر مجمع تشخیص در این باره را نیز نادرست دانست و تأکید کرد که برخلاف وظایف قانونی خود تلاش کرد تا اختیارات مصرح قوه مجریه را مخدوش کند. یا در جای دیگری در واکنش به ارتباط قوا با یکدیگر گفته بود: «بعضی‌ها استقلال قوا را فقط برای قوه مقننه و قوه قضائیه می‌خواهند. اتفاقاً قوه مجریه، قوه اول کشور

است.» در یکی دیگر از سخنرانی‌های خود به موضوع نظارت قوه مجریه اشاره کرده بود و این تفسیر را که رئیس‌جمهور فقط در قوه مجریه ناظر بر حُسن اجرای قانون اساسی است را تفسیر غلطی دانست و گفت: «وظایف کشوری رئیس‌جمهور استثناء ندارد و همانگونه که امور اداری و استخدایمی و برنامه و بودجه کشور بر عهده رئیس‌جمهور قرار داده شده و این موضوع صرفاً محدود به تدبیر امور اداری و بودجه‌ای قوه مجریه نیست، موضوع نظارت بر حُسن اجرای قانون اساسی نیز محدودیتی نداشته و همه دستگاه‌های کشور را شامل می‌شود.»

با بالاگرفتن اختلافات میان قوای سه‌گانه وی نامه‌ای به رهبری نوشت و در آنجا به حمایت رهبری از جایگاه رئیس‌جمهور اشاره کرد و نوشت: «مطمئن هستم که جنابعالی بر پاسداری قاطع از قانون اساسی و به‌ویژه از حقوق اساسی ملت و همچنین صیانت از جایگاه رفیع رئیس‌جمهوری منتخب ملت که بالاترین مقام رسمی کشور پس از رهبری و مجری قانون اساسی است، تأکید دارید و با هر اقدامی که اختیارات و مسئولیت‌های مهم او را مخدوش نماید، مخالفید.»

او همچنین در دوره نخست ریاست‌جمهوری خود هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی را که در دولت خاتمی شکل گرفته بود منحل کرد، اما در دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش، با توجه به تلاش‌های بی‌امانی که برای افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و نظارت بر حُسن اجرای قانون اساسی به عنوان ابزاری برای افزایش اختیارات داشت این هیئت را مجدداً راه‌اندازی کرد.

حسن روحانی؛ پیگیری حقوقی

حسن روحانی معتقد بود اختیاراتی که رئیس‌جمهور ایران دارد برای شرایط عادی است و در شرایط جنگ اقتصادی که در دوران ریاست‌جمهوری خود تجربه می‌کرد نیازمند اختیارات ویژه‌تری است. روحانی پیشنهاد خود را بر رهبری نیز در میان گذاشت و توضیح داد که این شرایط کشور نیازمند فرمانده ویژه است و رهبری نیز فرمانده این جنگ را رئیس‌جمهور دانست.

او معتقد بود سؤال از رئیس‌جمهور و دریافت پاسخ از وی نیازمند حدود مشخصی از اختیارات است: «وقتی از دولت سؤال و مطالبه‌ای می‌شود، باید از طرف دیگر بررسی شود که دولت چه مقدار در حوزه‌های مورد سؤال دارای اختیار بوده است. به‌طور مثال، اگر در خصوص سیاست خارجی، فرهنگ یا فضای مجازی از دولت سؤال و مطالبه‌ای می‌شود، باید ببینیم دولت چقدر در این حوزه‌ها اختیار دارد. باید در حد توان و در حوزه اختیارات رئیس‌جمهور از دولت مطالبه داشت.»

روحانی هم پیش‌نویس لایحه «اصلاح قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری» را تهیه کرد، لایحه اصلاحی بر مصوبه سال ۱۳۶۵ مجلس دراین‌باره که به عقیده دولت دوازدهم در آن تا حدی مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی مشخص شده است اما به طور مشخص ضمانت اجرایی لازم برای تشخیص رئیس‌جمهور و یا پیامدهای عدم توجه به اخطار و تذکر قانون اساسی رئیس‌جمهور در آن پیش‌بینی نشده است.) وظایف و اختیارات معاونت اجرای قانون اساسی را نیز که در نهاد ریاست‌جمهوری بود، به معاونت حقوقی ارجاع داد.

ابراهیم رئیسی؛ همسو با شورای نگهبان

دوران اندک ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی مجالی برای اظهارنظر درباره حدود اختیارات رئیس‌جمهور به وی نداد، اما او درباره اجرای قانون اساسی معتقد بود مسئولیت اجرای قانون اساسی با رئیس‌جمهور و تفسیر و نظارت بر اجرای آن با شورای نگهبان است.نظر رئیسی با رؤسای‌جمهور پیشین به‌ویژه احمدی‌نژاد که دست‌نقش نظارتی شورای نگهبان بودند متفاوت بود.

مسعود پزشکیان؛ تقویض اختیارات

مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم در زمینه اختیارات ویژه رئیس‌جمهور رویکردی متفاوت از تمام رؤسای‌جمهور در پیش گرفت. او سخنی درباره افزایش اختیار رئیس‌جمهوری بیان نکرده است. موضوعی که طی همین یک سال به‌ویژه در پی حوادث مختلف در حوزه سیاست خارجی به میان آمد. آن زمان که ایران برای مذاکره با استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ قرار بود تصمیم بگیرد؛ یا آن زمان که پزشکیان به قصد حضور در سازمان ملل قصد سفر به آمریکا را داشت بسیاری از تحلیلگران به‌ویژه اصلاح‌طلبان خواهان افزایش اختیارات رئیس‌جمهوری شدند. چنانچه غلامحسین کرپاسچی، فعال سیاسی و مدیرمسئول روزنامه هم‌همه‌شنی در گفت‌وگویی تصریح کرد: «امروز هم آقای پزشکیان باید نقشی که مر حوم هاشمی در پایان جنگ داشتند را ایفا کنند و خدمت‌رهبری برود و اختیار کامل را بگیرد و حتی آن شهامت هاشمی را هم داشته باشد که بگوید من ا محاکمه و اعدام کنید.» و باهمه این اظهارنظرها وواکنش‌ها، رئیس‌جمهوری تا الان در مسیر چنین افزایش اختیاراتی سخنی نگفته است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهری
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۴۱آیین نامه قانون تعیین تکلیف مسققر در واحد ثبت ملک شهری در خصوص پلاک ثبتی شماره ۳۰ فرعی از پلاک ۱۱۶ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران که در مالکیت آقای فرهاد محمدی میباشد.
به‌موجب رای ران مساحت مورد ثبت برابر با ۴۱/۴۱ متر مربع است و حدود اربعه نیز بشر ذیل صحیح می‌باشد:
شمالا: در سه قسمت دیواربست به‌طولهای ۶/۷۰ متر و ۵/۴۵ متر به مجاور شرقا: دیوار به‌دیوار به طول ۵/۵۵ متر به مجاور غربا: دیوار به‌دیوار به‌طول ۳/۱۵ متر به مجاور جنوبا: دیوار به‌دیوار به‌طول ۸/۸۵ متر به مجاور لایه به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو‌ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت نقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۴/۷/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۴/۷/۲۲

سید مهدی لامعی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهری

چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۹۰۶
www.hammihanonline.ir

رخداد پارلمان

مخالفت با دوفوریتی شدن طرح منع تحویل اسناد CFT

روزگذشته در نشست علنی مجلس تقاضای بررسی دوفوریتی طرح «الزام دولت به خودداری از تحویل اسناد پذیرش معاهده مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT)» مورد بررسی قرار گرفت که مخالفت با آن با ۱۵۰ رأی موافق، ۷۳ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۸ نماینده حاضر در صحن رای آورد. از این رو طرح مذکور برای بررسی به صورت عادی به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارجاع شد. در ابتدا سیدمحمود نبویان، به عنوان نماینده طراح طرح مذکور گفت: «سوال و اشکالی در اینجا مطرح می‌شود که باید پاسخ داده شود مبنی بر اینکه این کار بر خلاف قانون است، زیرا زمانی که مجمع تشخیص موضوعی را مصوب می‌کند، مجلس نمی‌تواند در آن مداخله داشته‌باشد. اما باید پاسخ داد پس از تصویب یک کنوانسیون باید سند آن نزد امین معاهده تودیع شود از این رو ربطی به مجلس، مجمع تشخیص و قانون گذاری ندارد و پیگیری شرط مذکور در این طرح در راستای رفع تحریم‌ها کار اجرایی و مربوط به دولت است تا اسناد را مشروط به رفع تحریم‌های ناشی از اسنپ‌ک تودیع کند.»نبویان در مورد خطرات اقتصادی CFT نیز بیان کرد: «ارائه اطلاعات مربوط به تمامی سازمان‌های غیرانتفاعی، جمع‌آوری اطلاعات در مورد کارگزاری بانکی برون مرزی، ارائه اطلاعات دقیق در مورد نقل و انتقال الکترونیکی وجوه، بنگاه معاملات ملکی، معاملات مربوط به فلزات گرانبها و فعالیت شرکت‌های ترانستی و.... را باید ارائه کنیم که هم به لحاظ امنیتی و اقتصادی مضر منافع ملت است.»

بدعت خطرناک

حسن قشقایی، دیگر نماینده مجلس در مخالفت با تقاضای دوفوریت در مورد طرح الزام دولت به خودداری از تحویل اسناد پذیرش معاهده مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT)، گفت: «چرا باید تقابل بین دستگاهی ایجاد شود، این موضوع را حضرت آقا ارجاع دادند به مجمع، می‌توانست بگوید مجلس طرح دهد و دولت در این اسناد لایحه‌بیاورد، معنای ارجاع به تشخیص مصلحت نظام یعنی چه، یعنی مصلحت نظام یعنی مصلحت ملی را ببینند که با اکثریت قاطع آرا اعضای منتصب به رهبری هفته گذشته رأی دادند این در تاریخ قانونگذاری سابقه نداشته است که قانونی در مرحله اجرا؛ در جریان هستبد FATF در اجلاس مادرید برای لغو لیست سیاه ما ایران را دعوت کرد. اگر برای اولین بار در تاریخ قانونگذاری مجلس شورای اسلامی جابجایی و معاونت قوانین چنین بدعت خطرناکی را از مجلس و تقابل با مجمع را دیده‌اید به من دستور بفرمایید این موضوع بررسی شود، بنده در موضع اخطار می‌گویم این تقابل صریح هم با نظر مقام معظم رهبری و هم مجمع تشخیص مصلحت نظام است.» محمد باقری نیز در مخالفت با تقاضای دوفوریت در مورد طرح الزام دولت به خودداری از تحویل اسناد پذیرش معاهده مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT)، گفت: «وقتی ارجاع داده می‌شود به مجمع چرا باید در برابر مجمع بایستیم، در اینجا ذکر شده تأمین منافع اقتصادی مردم مطرح است، آیا این طرح منافع مردم را تأمین می‌کند؟ یعنی مجمع از چنین مسئله‌ای اطلاع نداشته است و یا در جایی نوشته شده حفظ عزت و مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران، آیا مجمع نمی‌دانست حفظ عزت جمهوری اسلامی ایران چیست؟ چرا باید کشور را بره‌زننه اداره کنیم به عبارت دیگر بهانه به دست دشمن بدهیم.»وی در ادامه تأکید کرد: «حفظ عزت و مصلحت نظام به تشخیص مصلحت نظام است، واقعیت اینجاست که وضعیت معیشتی مردم و مشکلات مردم اگر با این طرح حل می‌شود ما نیز به آن پاسخ مثبت می‌دهیم، ما پولی که در کره جنوبی داشتیم و به قطر انتقال داده شد چرا نتوانستیم از آن استفاده کنیم چون CFT را قبول نکردیم، در خواست می‌کنم عقلاّی مجلس به این طرح رأی ندهند در غیر این صورت با طرح اینگونه طرح‌ها معیشت و مصلحت مردم ذبح خواهد شد.»

تصویب در بدترین زمان

میثم طه‌پوریان در موافقت با تقاضای دوفوریت در مورد طرح الزام دولت به خودداری از تحویل اسناد پذیرش معاهده مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) گفت: «آنچه که در طرح دیده شد اصلاً نافی مصوبه مجمع تشخیص نیست، یعنی اصل مصوبه یک بحث بوده و تودیع اسناد موضوع دیگری است و ما الان روی تودیع اسناد بحث داریم زیرا از این معاهده دنبال نفع برای کشور بودیم، یعنی رسمی شدن الحاق را به آن چیزی که منوط بوده در همان اول اتفاق بیفتد.» همچنین حبیبعلی حاجی‌دلپگانی در موافقت با تقاضای دوفوریت این طرح گفت: «اگر الان اسناد را مبادله نکنیم این می‌تواند دست دیپلماسی و دولت ما را پر کند تا کشورهایی که تحریم‌های ظالمانه را علیه کشورمان برگردانند ما بتوانیم بگویم شما این مکانیسم ماشه را پس بگیرید تا ما هم پس از آن در رابطه با سی اف‌تی تصمیم بگیریم، نمی‌شود که آنها هر قدمی که بر می‌دارند جلو بیایند و ما عقب‌نشینی کنیم، مجمع در بدترین شرایط زمانی سی اف‌تی را تصویب کرد.»